

نقش زمان در شکل‌گیری سطوح مختلف معانی مکان

علی‌اکبر حیدری^{۱*} - قاسم مطلبی^۲ - بهاره شهروز^۳

۱. استادیار معماری، دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول).
۲. دانشیار معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه بین‌المللی واحد پیام‌نور عسلویه، عسلویه، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۹/۱۸ تاریخ اصلاحات: ۹۵/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۰۳/۲۵ تاریخ انتشار: ۹۸/۰۶/۳۰

چکیده

معنای مکان از جمله مفاهیم مهمی است که اخیراً در حوزه‌های معماری و شهرسازی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. هدف از پژوهش حاضر، ارائه قرائت جدیدی از سطوح مختلف معنای مکان با تکیه بر نقش عامل زمان است. مورد مطالعاتی در این تحقیق، پارک کوه صفا واقع در شهر اصفهان به‌عنوان یک مکان عمومی شهری است که افراد مختلف با انگیزه‌های متفاوت، توانایی حضور در آن را دارند. این پژوهش با تأکید بر سه شاخص «تعداد دفعات مراجعه»، «مدت زمان حضور» و «انگیزه حضور افراد»، معانی مختلفی که در ذهن آن‌ها نسبت به پارک مورد نظر شکل می‌گیرد را طبقه‌بندی می‌نماید. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۵۰ نفر از اقشار مختلف اجتماعی مراجعه‌کننده به این پارک بودند. گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه با سؤالات باز و بسته صورت گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها از نوع کیفی بوده و با استفاده از روش تحلیل محتوا، تک تک پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌های انجام گرفته به تفکیک، مورد تجزیه و تحلیل و کدگذاری قرار گرفت و به این ترتیب سطوح مختلف معنا از دید هر بازدیدکننده استخراج شد. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که عامل زمان یا طول مدت آشنایی فرد با مکان، عامل مهمی در شکل‌گیری سطوح مختلف معنایی نسبت به مکان بوده است؛ به‌طوری‌که فرد در برخورد اولیه با مکان، تنها وجوه فیزیکی و کالبدی محیط را ادراک می‌نماید. با افزایش مدت زمان مراجعه و حضور در مکان، نسبت به مکان دلبسته می‌شود. در چنین سطحی افراد مکان را نسبت به احساسات، علائق و خاطرات فردی خود تفسیر می‌نمایند. سومین و عمیق‌ترین سطح معنا در افراد، احساس هویت‌مندی نسبت به مکان است که این حالت نیز با افزایش مدت زمان حضور افراد در مکان حاصل می‌آید. در چنین سطحی، انگیزه حضور افراد در مکان، فراتر از زیبایی و احساسات و علائق فردی آن‌ها بوده و شناخت آن‌ها از مکان شناختی فرا فردی و در مقیاس شهری است.

واژگان کلیدی: زمان، معنای مکان، معانی ابزاری، دلبستگی مکان، هویت مکان.

۱. مقدمه

کلی می‌توان به دو رویکرد پدیدارشناختی و اثباتی را در این خصوص اشاره نمود. پدیدارشناسان در تعبیر خود از یک احساس درونی نسبت به مکان یاد می‌کنند که آن را در مقابل بیرونیت (Norberg-Schulz, 1993) قرار می‌دهند. تقابل عرصه درونی مکان نسبت به عرصه بیرونی آن، معادل تقابل عینیت در برابر ذهنیت تعبیر شده است. بر این اساس پدیدارشناسان مکان را دارای دو بعد ذهنی (عرصه درونی) و عینی (عرصه بیرونی) تعریف کرده‌اند. بعد عینی مکان، معرف ویژگی‌های کالبدی و فیزیکی مکان است. این در حالی است که منظور از بعد ذهنی مکان، احساسات عمیق و درونی فرد نسبت به روح حاکم بر آن مکان است (Tuan, 1977). در بسیاری از موارد از روح مکان با عنوان حس مکان نیز تعبیر شده است. این احساس وضعیتی خودآگاهانه از خلق معنا از طریق به وجود آوردن وابستگی به مکان فیزیکی است (Partovi, 2009). بر این اساس می‌توان چنین پنداشت که در رویکرد پدیدارشناسی، احساسات افراد نسبت به جو حاکم بر یک محیط یا به عبارتی روح حاکم بر آن، به عنوان معنای مکان شناخته می‌شود (Gustafson, 2001). رویکرد اثبات‌گرایی به‌ویژه در حوزه روانشناسی محیط، به ابعاد مختلف تعامل فرد با محیط به‌ویژه در ارتباط با نحوه ادراکات فرد نسبت به آن محیط می‌پردازد. آنچه در این رویکرد به‌عنوان معنای مکان شناخته می‌شود، به نوعی تصورات ذهنی افراد از آن مکان است (Lynch, 1981). این تصورات می‌توانند در مواردی مثبت و در مواردی نیز منفی باشند (Manzo, 2005). چنین تصوراتی تحت تأثیر عوامل مختلفی به‌وجود می‌آیند که شامل دو دسته عوامل محیطی و عوامل انسانی هستند. عوامل محیطی شامل ویژگی‌های مختلف فضایی محیط به‌ویژه ساختارهای فرمی و عملکردی آن هستند؛ بدین معنا که محیط دارای قابلیت‌هایی است که فرد آن‌ها را بسته به انگیزه‌ها و نیازهایش ادراک نموده و معنای مختلفی را در ذهن خود برای آن‌ها متصور می‌شود (Motalebi, 2007). عوامل انسانی خود در دو دسته ابعاد فردی و ابعاد اجتماعی قابل تقسیم هستند که ابعاد فردی شامل فرهنگ و ارزش‌های مورد قبول فرد و همچنین ویژگی‌های دموگرافیک وی شامل سن، جنسیت، میزان تحصیلات و غیره است که بر نحوه ادراک وی از آن مکان تأثیر می‌گذارد (Meesters, 2009). ابعاد اجتماعی معنا شامل تعاملات و روابط اجتماعی فرد با دیگر افراد است که منجر به شکل‌گیری خاطرات و احساس تعلق خاطر و در نهایت هویت نسبت به مکان می‌شود (Gustafson, 2001). معنا در معماری در طیف‌های مختلفی پدیدار می‌شود که در پژوهش‌های مختلف، سطوح متفاوتی برای آن ارائه شده است. در جدول ۱ خلاصه‌ای از این طبقه‌بندی ارائه شده است (Motalebi, 1996).

در بررسی رابطه انسان و محیط، علاوه بر درک عناصر کالبدی و ویژگی‌های محسوس محیط، فهم معانی و پیام‌های برخاسته از آن نیز حائز اهمیت است. شناخت بهتر محیط زمانی در بهترین حالت صورت می‌پذیرد که علاوه بر بررسی عناصر کالبدی، معانی و مفاهیم برخاسته از آن و نیز ادراکات مختلف کنشگران نسبت به آن مورد واکاوی قرار گیرد (Falahat & Noohi, 2012, p. 320). حالات روحی افراد در مکان و نیز خاطراتی که انسان‌ها از مکان‌های مختلف دارند، عامل مهمی در نوع ادراک افراد از معنای مکان‌های مختلف به‌شمار می‌رود. لذا با فهم معنای مختلفی که افراد نسبت به محیط‌های مختلف ادراک می‌کنند، می‌توان به ساخت محیط‌هایی با کیفیت مطلوب‌تر دست یافت. در این خصوص فهم معانی مختلف، سازوکار شکل‌گیری این معانی و نیز عواملی که بر کیفیت این معانی تأثیرگذار هستند حائز اهمیت فراوانی است.

پژوهش حاضر به دنبال بررسی نقش عامل زمان بر شکل‌گیری سطوح مختلف معنای مکانی است. در این پژوهش ضمن ارائه تعاریف مختلف از معنای مکان، در بخش ادبیات به تبیین و طبقه‌بندی سطوح مختلف معنای مکان از دید نظریه‌پردازان مختلف پرداخته می‌شود. سپس در ادامه فرآیند تحقیق در مورد مطالعاتی، در ابتدا معنای مختلفی که افراد از یک مکان مشخص در ذهن دارند استخراج می‌شود؛ در مرحله بعد هر کدام از معنای اشاره شده توسط هر فرد، به صورت تک تک در جدول سطوح معانی، طبقه‌بندی می‌شود. در نهایت داده‌های به‌دست آمده برای هر فرد در ارتباط با متغیرهای «تعداد دفعات مراجعه» و «مدت زمان حضور» و نیز «انگیزه حضور» مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۲. بررسی ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

در پژوهش‌های داخلی در ارتباط با مفهوم معنای مکان و عوامل شکل‌دهنده آن در مکان‌های مختلف، تحقیقات چندانی صورت نگرفته است. با این حال حیدری (۱۳۹۳) در رساله دکتری خود تحت عنوان ارزیابی معنای مکان در مجموعه‌های آپارتمانی و مستقل حیاطدار، به سنجش و ارزیابی معنای مختلف در این دو الگوی سکونت‌گاهی پرداخته است (Heidari, 2015). در پژوهش دیگر کلالی و مدیری (۱۳۹۱) به بررسی جایگاه معنا در فرآیند شکل‌گیری حس مکان پرداخته است. در این پژوهش آن‌ها به «مؤلفه معنا» به عنوان عاملی که می‌تواند منجر به شکل‌گیری سطوح ژرف‌تری از حس مکان در انسان شود اشاره می‌کنند (Kalali & Modiri, 2013). در پژوهش‌های خارجی، تعاریف و دیدگاه‌های مختلفی نسبت به مکان و معنای آن ارائه شده است که در یک دسته‌بندی

جدول ۱: سطوح مختلف معنی از دیدگاه نظریه پردازان مختلف

سطح/ محقق	گیبسون (۱۹۵۰)	لانگر (۱۹۵۳)	بینفورد (۱۹۶۲)	بورديو (۱۹۷۴)	نصر (۱۹۸۱)	نول (۱۹۸۸)	راپاپورت (۱۹۸۲)
سطح ۱	معنی عینی و اولیه، معنی کارکردی، معنی ابزار	علائم	ابزاری	سطح اولیه (ادراکی)	جسمی	ادراکی	سطح ابزاری (سطح نازل تر)
سطح ۲	معنی عاطفی و ارزشی	نشانه‌ها	اجتماعی		ذهنی	نشانه‌ای	سطح اجتماعی (سطح میانه)
سطح ۳	معنی نشانه‌ای، معنی نمادین	نمادها	نمادین	سطح ثانویه (نمادین)	روحی	نمادین	سطح هستی شناسانه (سطح متعالی تر)

(Motalebi, 1996)

۲-۱- معانی ابزاری مکان

فرآیند هویت‌یابی نیز دچار مشکل می‌شوند (Pirbabaii & Sajadzadeh, 2012). بر این اساس دل‌بستگی به مکان سطحی از ارتباط فرد با مکان است که طی آن، فرد از نظر عاطفی با آن مکان پیوندی عمیق برقرار کرده و مکان برای آن فرد واجد معانی خاص می‌شود. این معانی برگرفته از عوامل مختلفی از جمله تاریخچه مکان، خاطرات فرد در آن مکان، اتفاقات خاصی که در آن مکان افتاده است و غیره می‌باشد.

۲-۳- هویت مکان

هویت مکان بخشی از هویت وجودی انسان است که در رابطه دو سویه انسان و مکان شکل می‌گیرد. براساس مطالعات و پژوهش‌های انجام گرفته از سوی رفتارشناسان محیطی، این موضوع نمایان شد که هویت مکان بر شکل‌گیری هویت فرد موثر است. به عبارتی دیگر هویت مکان ابعادی از «خود» است که هویت فردی شخص را در ارتباط با مکان بر اساس باورها، ترجیحات، احساسات، ارزش‌ها، اهداف و تمایلات رفتاری وی به‌صورتی آگاهانه و ناآگاهانه تبیین می‌کند (Lewicka, 2008). هویت مکان در عین آن که وابسته به فرد، تجارب خاص و نحوه اجتماع‌پذیری اوست، انعکاس‌دهنده افراد و گروه‌هایی است که در آن مکان خاص زندگی می‌کنند (Proshansky, 1978). رلف انواع هویت مکان را براساس تصورات خود از درون و برون تبیین می‌کند. به اعتقاد وی درون مکان بودن معادل هویت‌مند شدن مکان است و این حالت را بسیار قوی‌تر از دل‌بستگی به مکان می‌داند (Relph, 2007, p. 120).

بنابر آنچه در ارتباط با هویت مکان مطرح شد، می‌توان چنین استنباط نمود که هویت مکان بسیار فراتر از احساس صرف بودن در یک مکان و یا احساسات شخصی افراد نسبت به آن مکان است. در چنین حالتی فرد به چنان عمقی از معنا دست می‌یابد که هویت خود را در هویت مکان جست‌وجو می‌کند؛ لذا درونی‌ترین سطح ارتباط با مکان برای فرد زمانی به وجود می‌آید که وی

انسان‌ها در مواجهه با مکان، براساس تفکرات و انتظارات خود نسبت به آن قضاوت‌ها و احساسات مختلفی داشته و به گونه‌های مختلف در آن حضور می‌یابند که در قالب تعاملات شناختی، عاطفی و عملکردی، قابل بررسی است (Hashemnezhad, Yazdanfar, Heidari, & Behdadfar, 2013). در این ارتباط هنگامی که فردی برای اولین بار وارد مکانی می‌شود، بدیهی است که شناخت و احساس خاصی به آن مکان ندارد. این فرد در توصیف مکان مورد نظر فقط به جنبه‌های ظاهری، فیزیکی و آنچه که در نگاه اول مشاهده کرده است، بسنده می‌کند. این نوع ارتباط، سطحی‌ترین نوع ارتباط انسان با یک مکان است که به اعتقاد رولف، فرد در این سطح تنها از حضور خود در یک مکان با ویژگی‌های خاص آن مطلع است (Relph, 1976). چنانچه مکان مذکور حائز خصوصیات یا موضوعات مورد علاقه فرد باشد، در این حالت انگیزه‌ای برای حضور مجدد وی در آن ایجاد می‌شود. لذا معانی‌ای که در این سطح برای فرد به‌وجود می‌آید نیز در ارتباط با تأمین نیازهای فیزیولوژیک وی است.

۲-۲- دل‌بستگی به مکان

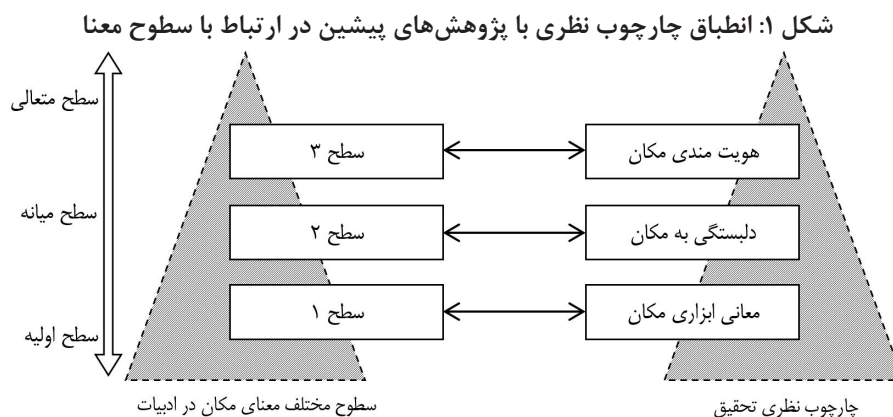
مفهوم دل‌بستگی به مکان مبین رابطه عاطفی و مثبت میان فرد و مکان است که منجر به شکل‌گیری ارتباطی نمادین میان فرد و مکان می‌شود. این امر، مبنای ادراک گروه یا فرد از مکان بوده و نحوه ارتباط آن‌ها با آن را شکل می‌دهد (Altman & Low, 1992). این جذب مکان، انگیزه حضور انسان در مکان را فراهم کرده و عاملی برای گذراندن وقت در آن به‌شمار می‌رود (Sajadzadeh, 2014). این بعد ضمن ایجاد حس تعلق و معنا بخشیدن به زندگی فرد (Tuan, 1977) سبب بروز رفتارهای پاسخگو و متعهد در قبال مکان شده و می‌تواند رفتارهای محیطی را نیز ارتقاء بخشد (Vaske & Kobrin, 2001). قوی‌ترین نوع تعلق به مکان، ریشه داشتن در مکان است. افرادی که نسبت به مکان بیگانه‌اند، چندان از آن راضی نیستند و در

گفته شده در ارتباط با سطوح معنا، این پژوهش سعی بر آن دارد که قرائت جدیدی از سطوح معنای مکان را تبیین نماید. بر این اساس سه سطح معنایی محیط را شامل «معنای ابزاری مکان»، «دلبستگی به مکان» و «هویت‌مندی نسبت به مکان» تعریف می‌کند که این سه سطح معادل سه سطح اولیه، میانی و متعالی ارائه شده در ادبیات (شکل ۱) است.

نسبت به آن مکان احساس هویت کند و آن مکان را جزئی از خود بداند. در چنین حالتی فرد برای آن مکان از هیچ نوع فداکاری دریغ نخواهد کرد (Shamai, 1991).

۳. چارچوب نظری تحقیق

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش زمان در شکل‌گیری سطوح مختلف معنای مکان است؛ لذا با تکیه بر مفاهیم



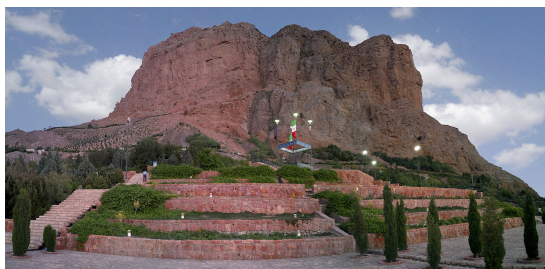
آمدن به این مکان را نسبت به سایر مکان‌های مشابه ترجیح می‌دهند.

۴- معنای مختلف مکان برای فرد: در این بخش از سؤالات سعی بر آن است تا عمق احساسات افراد در ارتباط با مکان مورد نظر و نیز معنای‌ای که از آن مکان در ذهن دارند، استخراج شود.

پرسشنامه‌ها پس از گردآوری به صورت تک تک با استفاده از روش تحلیل محتوا (Hsieh & Shannon, 2005)، مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به پاسخ‌های داده شده، برای هر فرد سطحی از تعامل با مکان تعیین شد.

در ارتباط با انتخاب مورد مطالعاتی، باید محیطی انتخاب شود که امکان استفاده از آن برای طیف‌های مختلف مردم در تمام ایام هفته فراهم بوده و همچنین قابلیت‌های متنوع جهت جذب افراد با انگیزه‌های مختلف و نیز حضور برای مدت زمان طولانی را داشته باشد. از این رو از میان فضاهای عمومی شهری، پارک کوه صفه واقع در شهر اصفهان انتخاب شد. این پارک به‌عنوان یک پارک کوهستانی با مساحتی بالغ بر ۱۰۰ هکتار در جنوب غربی شهر اصفهان واقع شده است.

شکل ۲: دورنمای پارک کوه صفه اصفهان



(<https://hamgardi.com>)

۴. روش تحقیق

همان‌گونه که پیش از این نیز مطرح شد، مقاله حاضر به دنبال طبقه‌بندی سطوح مختلف معنای مکان با تأکید بر نقش عامل زمان است. لذا پژوهش به صورت کیفی طراحی شده و پس از استخراج معنای مختلفی که افراد نسبت به مورد مطالعاتی ادراک می‌کنند، به طبقه‌بندی این معنای در سه سطح طرح شده در چارچوب نظری پرداخته می‌شود. گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه صورت می‌گیرد که متشکل از ده سؤال شامل سؤالات باز و بسته است. سؤالات پرسشنامه شامل چهار طیف سؤال به قرار زیر هستند:

۱- مدت زمان آشنایی و حضور فرد در مکان: به منظور ارزیابی متغیر زمان، سؤالاتی مطرح شد که طی آن‌ها، مدت زمان آشنایی فرد با مکان مورد نظر، تعداد دفعات مراجعه به آن مکان در طول ماه و سال و در نهایت مدت زمانی که فرد در هر بار مراجعه در آن سپری می‌کند، مورد سنجش قرار گیرد.

۲- میزان آشنایی افراد با این مکان: در این سؤالات از فرد خواسته می‌شود که شماری از مکان‌های خاصی که از مجموعه مورد نظر در ذهن دارد را نام ببرد. هدف از طرح چنین سؤالاتی، سنجش میزان توجه فرد به مکان‌های خاص در پارک و استخراج درجه اهمیت آن مکان‌ها برای وی است.

۳- انگیزه و دلایل حضور افراد در مکان: هدف از طرح چنین سؤالاتی، بررسی انگیزه‌های مختلف افراد از آمدن به مکان مورد نظر است. از دیگر مواردی که در این حوزه از افراد پرسیده می‌شود، این است که آن‌ها تا چه میزان

این گروه شامل افرادی بودند که زمان کمی را در مجموعه تفریحی صفا گذرانده‌اند. اکثر آن‌ها این مجموعه را به‌عنوان یکی از زیباترین مکان‌های اصفهان می‌شناختند؛ با این وجود هنگام معرفی مکان‌های مورد علاقه‌شان در این پارک، بیشتر تمرکز آن‌ها بر روی کلیت مجموعه یا مکان‌های بسیار عمومی در آن بود. آن‌ها انگیزه اصلی حضور خود در این مکان را به دلیل زیبایی‌های موجود در آن به‌ویژه فضای سبز و توپوگرافی آن که مناسب برای کوهنوردی بود، می‌دانستند. به‌عنوان مثال آقایی ۳۲ ساله در ارتباط با این پارک می‌گوید:

در طول سال، چهار تا پنج بار به این مجموعه می‌آیم و هر بار مدت زمانی بین ۱ تا ۳ ساعت را در این مجموعه سپری می‌کنم. به نظرم این مکان مناسب برای کوهنوردی است. مسیر به سمت قله کوه و حوضچه ذخیره آب را دوست دارم چرا که مکانی زیباست. از درختکاری‌های این مکان لذت می‌برم و فضای سبز این مکان را به‌دلیل زیبایی آن دوست دارم، ولی اطلاعات تاریخی-جغرافیایی خاصی از این مکان ندارم.

همان‌طور که بیان شد افراد این گروه به‌صورت بسیار کلی از این مکان صحبت می‌کنند و توجه آن‌ها بیشتر معطوف به زیبایی‌های طبیعی و ویژگی‌های کالبدی و فیزیکی آن است. در پیمایش صورت گرفته چند مورد از افرادی که در اصفهان مسافر بودند نیز وجود داشتند. این مسافران در تمام صحبت‌های خود اشاره به زمان کمی داشتند که این مکان را شناخته‌اند و بدیهی است که خود افراد نیز به متغیر زمان به‌عنوان عامل مهمی در شناخت مکان اشاره می‌کنند. خانم ۵۹ ساله‌ای در این خصوص چنین عنوان می‌کند:

من در اصفهان مسافر هستم و برای اولین بار است که به این مکان می‌آیم؛ بنابراین شناخت زیادی از این مجموعه ندارم. از قسمت‌های زیادی از این مجموعه دیدن کردم و از زیبایی و تمیزی آن لذت بردم. از باغ‌وحش و پارک جنگلی بیشتر خوشم آمد. در کل مکانی زیبا است.

نکته قابل توجهی که تقریباً در تمام پاسخ‌های افراد در این گروه به چشم می‌خورد، کم بودن تعداد دفعات مراجعه و مدت زمان حضور آن‌ها در این مکان بود. این امر منجر به عدم داشتن شناخت دقیق نسبت به مکان و نیز توجه زیاد به وجوه ظاهری و فیزیکی این مکان برای این افراد شده بود. میزان آشنایی افراد با این مکان نیز بسیار محدود بود چرا که در پاسخ به پرسش مربوط به برشمردن مکان‌های خاص در پارک، این افراد عموماً مکان خاصی را در ذهن نداشتند و به مواردی اشاره می‌نمودند که بسیار عمومی و کلی بود؛ مواردی از جمله مسیر مارپیچ به سمت قله و تله‌کابین. بر این اساس معانی‌ای که این افراد از این مکان در ذهن داشتند، بیشتر در ارتباط با کاربرد آن محیط در جهت رفع نیازهای آن‌ها بود و لذا در دسته بندی سطوح معانی، می‌توان چنین اذعان نمود که آن‌ها بیشتر معانی ابزارهای محیط را ادراک نموده‌اند. از تعداد ۱۵۰ پرسشنامه،

شکل ۳: تنوع پوشش گیاهی پارک کوه صفا



(<https://www.karnaval.ir>)

شکل ۴: معبر اصلی کوهنوردی پارک کوه صفا



(<https://www.karnaval.ir>)

شکل ۵: محوطه‌سازی در پارک کوه صفا



(<https://www.imna.ir>)

جامعه آماری پژوهش نیز شامل ۱۵۰ نفر بودند که از میان طیف‌های مختلف افراد استفاده کننده از پارک در زمان‌های مختلف و به صورت تصادفی انتخاب شدند. تمام جامعه آماری از افرادی انتخاب شدند که درون پارک کوه صفا حضور داشتند و مشغول تفریح یا کوهنوردی و غیره بودند.

۵. یافته‌های تحقیق

پس از بررسی و تحلیل ۱۵۰ پرسشنامه به صورت موردی، افراد پاسخ‌دهنده براساس مدت زمان تعامل خود با مجموعه و نیز انگیزه حضورشان، در سه گروه دسته‌بندی شدند که شامل موارد ذیل است:

الف. گروه اول

نسبت به این مکان احساسی دل‌بستگی دارند و در گروه دوم قرار می‌گیرند.

ج. گروه سوم

این گروه شامل افرادی بودند که تعداد دفعات مراجعه و نیز مدت زمان حضورشان در پارک بیشتر از دو گروه پیشین بود. این افراد در توصیفات خود از احساسات نوستالوژیک خود نسبت به پارک صحبت به میان می‌آوردند. تقریباً همه این افراد از تاریخچه و نقش کوه صفه در گذشته آگاه بودند و نگاه آن‌ها به این مجموعه تفریحی، کاملاً متفاوت با دو گروه قبل بود. این افراد عموماً در توصیفات خود از این مکان به عنوان مکانی با قدمت تاریخی و دارای هویتی فرامنطقه‌ای یاد می‌کردند که مایه غرور و افتخار آن‌ها شده است.

در این خصوص خانمی ۳۹ ساله در مصاحبه‌هایش به وجود یک قلعه تاریخی در این مجموعه اشاره می‌کرد:

من در مورد مجموعه کوه صفه تحقیق کرده‌ام و می‌دانم از جمله نقاط مشهور در کوه صفه قلعه «شاه‌دژ» یا «شاه‌دز» است که به «قلعه دیو» نیز معروف است. قلعه دیو همان مکان افسانه‌ای است که در کتاب‌های بسیاری از آن صحبت شده است. این کوه در اصفهان و تاریخ این شهر ریشه دوانده است و از دوره‌های اسلامی و حتی پیش از آن، این مکان مورد توجه بوده و دارای قدمت است. این مکان به دلیل قدمت تاریخی که دارد برای من ارزش زیادی دارد و تا جایی که می‌دانم زمانی به‌عنوان دیوار دفاعی شهر اصفهان بوده است، به همین دلیل برای من ارزش ملی دارد.

مرد ۳۲ ساله دیگری پیرامون احساس خود درباره پارک کوه صفه می‌گوید:

من در ماه پنج تا شش مرتبه و هر بار بین ۳ تا ۵ ساعت از وقت خود را در این مکان می‌گذرانم. این مجموعه را از دوران کودکی می‌شناسم. چشمه پاچنار، چشمه درویش و پیست چمن از مکان‌های مورد علاقه من در این مجموعه است. کل این مجموعه به دلیل مرتفع بودن نسبت به سطح شهر، باعث به‌وجود آمدن چشم‌اندازی زیبا به شهر اصفهان می‌شود. انگیزه من از آمدن به این مکان تاریخچه زیبای این مکان است. از نظر من مجموعه کوه صفه نمادی طبیعی برای شهر تاریخی اصفهان به‌شمار می‌رود. این مکان به‌عنوان مرتفع‌ترین مکان در اصفهان است و از بالای این کوه تمام شهر و خانه‌ها را می‌توان به‌صورت چراغ‌های رنگین مشاهده کرد. من این مکان را بام نصف جهان می‌دانم و با توجه به اطلاعاتی که دارم، نقاش هلندی در گذشته از کوه صفه اصفهان تصویر کشیده است و در کتاب‌ها چاپ شده است. به نظر من این مکان تاریخی است و شهرت جهانی دارد.

همان‌گونه که از اظهارات فوق برمی‌آید، انگیزه‌های این افراد از آمدن به این مکان، فراتر از استفاده از زیبایی‌های طبیعی و یا پاسخ به احساسات و علائق فردی آن‌هاست.

۵۷ عدد از پرسشنامه‌ها در این سطح طبقه‌بندی شدند که معادل ۳۸ درصد است.

ب. گروه دوم

این گروه شامل افرادی بودند که مدت زمان بیشتری را نسبت به گروه اول، صرف رفتن به این مکان می‌کردند. زمانی که از آن‌ها در ارتباط با مکان‌های مورد علاقه‌شان در مجموعه کوه صفه پرسیده شد، آن‌ها مکان‌های خاص‌تری را نسبت به گروه پیشین معرفی می‌کردند. این مکان‌ها عموماً یا دارای قابلیت اجتماع‌پذیری بودند و یا چشم‌اندازی خاص به شهر داشتند. علت توجه به این مکان‌ها به‌واسطه خاطراتی بود که این افراد از گردهمایی با دوستانشان و یا خلوت در آن مکان‌ها داشتند. آن‌طور که از انگیزه‌ها و دلایل آمدنشان به این مکان نوشته‌اند، پیداست که آن‌ها با قسمت‌هایی از این مجموعه، ارتباط عمیق‌تری برقرار کرده‌اند که این ارتباط فراتر از ادراک زیبایی‌های ظاهری آن است. چنین به‌نظر می‌رسد که انگیزه اصلی آن‌ها از حضور در این مکان، تنها محدود به استفاده از فضای فیزیکی آن و لذت بردن از زیبایی‌های ظاهری آن نیست؛ بلکه عامل اصلی آمدن این افراد به این مجموعه، داشتن خاطراتی از گذشته است که در این مکان برای آن‌ها اتفاق افتاده است. به عنوان مثال مردی ۳۱ ساله در این ارتباط معتقد بود:

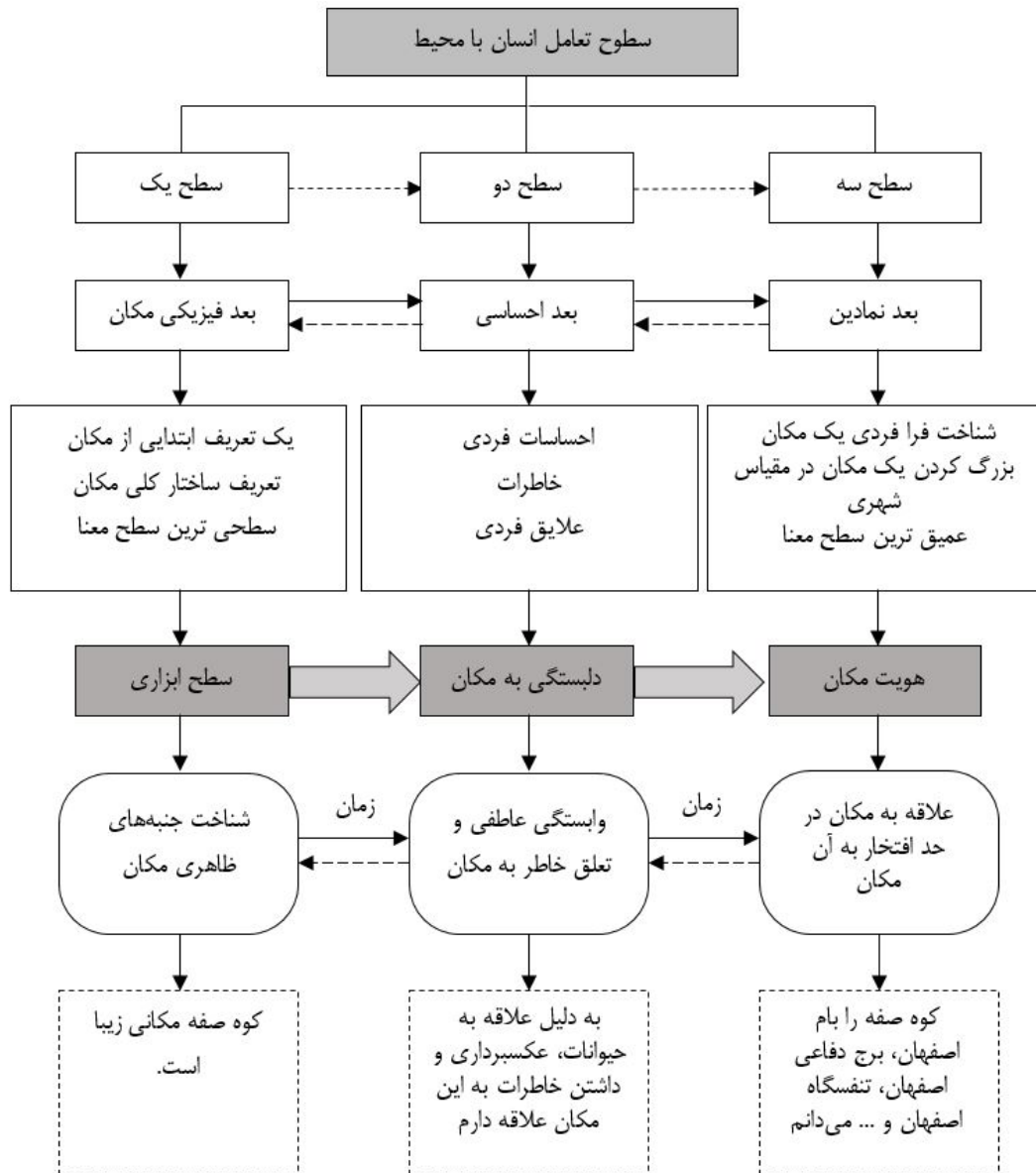
در ماه دو بار به این مجموعه می‌آیم و هر بار ۳ تا ۴ ساعت در این مکان وقت خود را سپری می‌کنم. من این مکان را از زمان کودکی می‌شناسم و به همراه دوستانم به اینجا می‌آمده و تفریح می‌کردیم. من مقبره شهدا و باغ وحش و چشمه خاجیک را در این مجموعه بیشتر از سایر مکان‌ها دوست دارم، چرا که هر کدام از این مکان‌ها برای من خاطرات زیادی دارند. دلیل آمدن من به این پارک علاوه بر استفاده از هوای مناسب و امکانات رفاهی این مجموعه، زنده کردن خاطرات زیبای گذشته است، چرا که تنها با خاطرات می‌توان گذشته‌ها را به یاد آورد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود بسیاری از افراد به خاطر احساسات فردی، خاطرات و علائق خود به این مکان می‌آیند. هنگامی که این افراد از مجموعه تفریحی صفه صحبت می‌کنند آشکار است به‌دلیل زمان بیشتری که به این مکان آمده‌اند، اطلاعات زیادتر و شناخت بهتری از این مجموعه دارند که این امر باعث شده است که در ارتباط با این مکان، حس عمیق‌تری نسبت به گروه اول داشته باشند. در بیانات این افراد به خوبی علاقمندی به این مکان دیده می‌شود. چنین به‌نظر می‌رسد که این افراد به خاطر احساسات و عواطفی که نسبت به این مکان در ذهن دارند، بیشتر به این مکان می‌آیند. لذا معنای آن که از این مکان در ذهن این افراد شکل می‌گیرد بیشتر متأثر از احساس «دل‌بستگی عاطفی آن‌ها به این مکان» است. از تعداد ۱۵۰ پرسشنامه، ۵۶ عدد از پرسشنامه‌ها در این سطح طبقه‌بندی شد. بنابراین ۳۷/۳۳ درصد از افراد

که عمیق‌ترین سطح معنا در جریان تعامل انسان با محیط است تحت عنوان «هویت مکان» تبیین شده است. در کل از میان کل پاسخ‌دهندگان در این پیمایش، ۳۷ عدد مربوط به این گروه بود که معادل ۱۹/۳۳ درصد است. براساس آنچه تاکنون عنوان شد، افراد در جریان تعاملشان با مجموعه پارک کوه صفه، بسته به مدت زمان حضور در مکان و نیز انگیزه حضور آن‌ها در آن مکان، نسبت به آن سه سطح مختلف از معنا را ادراک می‌کنند. این سطوح شامل «معانی ابزاری مکان»، «دلبستگی به مکان» و «هویت مکان» است. این سطوح قابل قیاس با سه سطح معنایی است که در مطالعات گیبسون (۱۹۵۰) نیز به آن اشاره شده است. در شکل ۶ این سطوح دسته‌بندی ارائه شده است.

شناخت این افراد نسبت به این مکان، شناختی فرا فردی است. این گروه مجموعه تفریحی صفه را به‌عنوان نمادی شاخص در شهر اصفهان معرفی می‌کنند و چنین به‌نظر می‌رسد که در اظهاراتشان نسبت به وجود این مجموعه در شهرشان، به نوعی احساس غرور و افتخار می‌کنند. آن‌ها مجموعه پارک کوه صفه را با صفت‌هایی چون «مرتفع‌ترین مکان اصفهان»، «نماد طبیعی شهر اصفهان»، «برج طبیعی اصفهان»، «پنجره‌ای رو به چشم‌انداز زیبای اصفهان»، «بام اصفهان» و غیره معرفی می‌کنند. چنین به‌نظر می‌رسد که افراد این گروه، شخصیت پارک کوه صفه را در مقیاس شهر اصفهان توصیف می‌کنند و این مجموعه را به‌عنوان بخشی از هویت خود و شهرشان می‌دانند و برای حفظ، نگهداری و بیشتر شناساندن آن، از هر نوع تلاشی دریغ نمی‌کنند. از این رو این سطح از معنا

شکل ۶: دیاگرام قیاسی تأثیر زمان در شکل‌گیری سطوح مختلف معنا در تعامل انسان با مکان

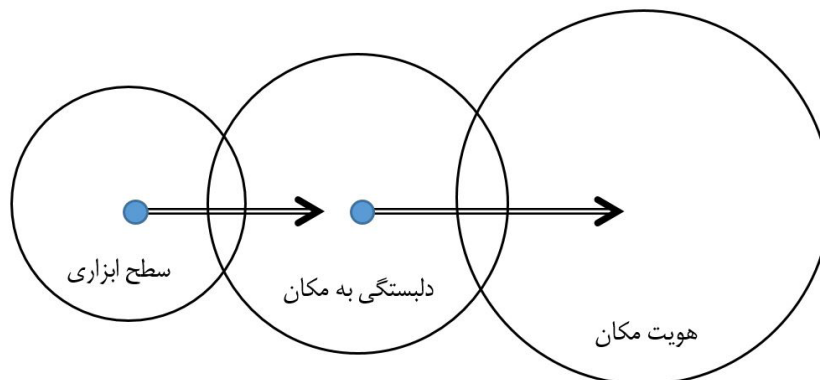


۶. نتیجه گیری

شد. در این ارتباط گروهی از افراد که خیلی کم به پارک مراجعه می‌کردند، شناختشان از پارک نیز در حد بسیار کلی و عمومی بود. بدیهی است که افراد در این سطح، به ادراک معانی سطحی که برگرفته شده از ویژگی‌های هندسی و اجزای کالبدی مکان است بسنده کرده‌اند. گروه دوم افرادی بودند که مدت زمان بیشتری به این پارک می‌آمدند و انگیزه آن‌ها از حضور در این پارک، وجود خاطرات و احساسات فردیشان بود. این سطح از معنا که بیشتر متأثر از احساسات درونی و عاطفی فرد است، دل‌بستگی به مکان نامیده می‌شود. سطح سوم شامل افرادی بودند که مدت زمان بیشتری را در این پارک سپری می‌کردند و انگیزه حضور آن‌ها فراتر از استفاده ابزاری و یا حتی پاسخ به احساسات فردی آن‌ها بود. در این حالت، مکان با ارزش‌ها و اعتقادات فرد گره خورده و حائز معانی نمادین برای وی می‌شود. این سطح عمیق از معنا تحت عنوان هویت مکانی معرفی شده است؛ اما آنچه در ورای این تحلیل‌ها قابل استنباط است، نقش زمان در شکل‌گیری چنین معانی‌ای برای افراد می‌باشد. به این ترتیب که هرچه مدت زمان تعامل فرد با مکان بیشتر می‌شود، سطوح عمیق‌تری از معنا برای وی شکل می‌گیرد.

این مقاله به دنبال تبیین و دسته‌بندی سطوح مختلف معانی است که افراد در جریان تعامل خود در زمان‌های مختلف نسبت به یک مکان ادراک می‌کنند. برای نیل به این هدف ابتدا از افراد جامعه آماری پیرامون تعداد دفعات مراجعه، مدت زمان حضور و نیز انگیزه حضورشان در مکان مورد نظر پرسش به عمل آمد. سپس از آن‌ها خواسته شد که پارک کوه صفه را که در این پژوهش به عنوان مورد مطالعاتی مورد بررسی قرار گرفته است، توصیف نموده و احساسات و معانی‌ای که از این پارک در ذهنشان شکل گرفته است را تبیین نمایند. همچنین از آن‌ها خواسته شد که چند مکان خاص از پارک را که در ذهن دارند نام ببرند. پس از انجام پیمایش، داده‌های مربوط به معانی مختلف افراد با داده‌های مربوط به انگیزه‌های حضور و نیز مدت زمان آشنایی و مراجعه به پارک، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. اطلاعات هر پرسشنامه به صورت تک تک آنالیز و معانی هر کدام به صورت جداگانه طبقه‌بندی شده و در جدول سطح‌بندی معانی قرار گرفت. بر این اساس معانی به دست آمده در سه سطح «معانی ابزاری مکان»، «دل‌بستگی به مکان» و «هویت مکان» طبقه‌بندی

شکل ۷: شکل‌گیری سطوح مختلف معنا در طول زمان



References

- Altman, I., & Low, S.M. (1992). *Place Attachment*. New York: Plenum Press, 12.
- Ardalan, N., & Bakhtiar, L. (1973). *The Sense of Unity*. Chicago: University of Chicago Press.
- Bourdieu, P. (1974). *The School as a Conservative Force: Scholastic and Cultural Inequalities*. London: Methuen.
- Falahat, M., & Noohi, S. (2012). Threat to the Sense of Environment in the Area after the Destruction of Symbols, *Proceedings of the First National Conference on Islamic Architecture and Urban Planning*, Tabriz: Islamic Art University publication.
- Gibson, J.J. (1950). *The Perception of the Visual World*. Boston: Houghton Miffl.
- Giddens, A. (1991). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Cambridge: Polity.
- Hashemnezhad, H., Yazdanfar, S.A., Heidari, A. A., & Behdadfar, N. (2013). Comparison the Concepts of Sense of Place and Attachment to Place in Architectural Studies. *Australian Journal of Basic and Applied Sciences*, 7(1), 219-227.
- Hay, R. (1998). Sense of Place in Developmental Context. *Journal of Environmental Psychology*, 18(1), 5-29.
- Hsieh, H.F., & Shannon, S.E. (2005). Three Approaches to Qualitative Content Analysis. *Qualitative Health Research*, 15, 1277-1288.
- Kalali, P., & Modiri, A. (2013). Explaining the Role of the Component of Meaning in the Process of Creating a Sense of Place. *Journal of Fine Art – Architecture and Urban Design*, 17(2).
- Langer, S.K. (1953). *Feeling and Form*. USA: Macmillan Publishing.
- Lewicka, M. (2008). Place Attachment, Place Identity, and Place Memory: Restoring the Forgotten City Past. *Journal of Environmental Psychology*, 1-23. doi:10.1016/j.jenvp.2008.02.001.
- Lynch, K. (1981). *A Theory of Good City Form*. Cambridge MA and London: MIT Press.
- Manzo, L.C. (2005). For Better or Worse: Exploring Multiple Dimensions of Place Meaning. *Journal of Environmental Psychology*, 25(1), 67-86.
- Meesters, J. (2009). *The Meaning of Activities in the Dwelling and Residential Environment*. Delft University of Technology, Netherlands.
- Motalebi, G. (1996). *A Theory of Meaning in Architecture and Urban Design: an Echological Approach*. Unpublished Ph.D. Thesis, University of New South Wales, Sydney.
- Motalebi, G. (2007). Rethinking the Relationship between Form and Function in Architecture. *Journal of Fine Art – Architecture and Urban Design*, 25, 55-64.
- Nasr, S. H. (1989). *Knowledge and the Sacred*, State University of New York Press.
- Nohl, W. (1988). *Open Space in Cities: in Search of a New Aesthetic*. (J. Nasar Ed.). New York: Cambridge University Press.
- Norberg-Schulz, C. (1993). *The Concept of Dwelling: On the Way to Figurative Architecture*, Rizzoli publication.
- Partovi, P. (2009). *Phenomenology of the Place*. Tehran: Farhangestan-e Honar.
- Pirbabaii, M.T., & Sajadzadeh, H. (2012). Colletive Attachment to Place, Realization of Social Housing in the Traditional Neighborhood. *BAGH-e NAZAR Journal*, 8.
- Proshansky, H.M. (1978). The City and Self-Identity. *Environment and Behavior*, 10(2), 147-169.
- Rapoport, A. (1982). *The Meaning of the Built Environment: A Nonverbal Communication Approach* University of Arizona Press.
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.
- Relph, E. (2007). *Prospects for Places: The Urban Design Reader*. Michael Larice and Elizabeth Macdonald Ed, Rutledge, 120.
- Sajadzadeh, H. (2014). The Role of Attachment to Place in the Identity of Urban Areas, Case Study: Hamedan Tomb Square. *Bagh-e Nazar Journal*, 10 (25).
- Shamai, S. (1991). *Sense of Place: An Empirical Measurement*. Isreal, Geoforum, 22, 347- 358.
- Tuan, Y.F. (1977). *Space and Place: The Perspective of Experience*. London: Edward Arnold.
- Vaske, J.J., & Kobrin, K.C. (2001). Place Attachment and Environmentally Responsible Behavior. *The Journal of Environmental Education*, 32(4), 16-21.
- <https://hamgardi.com/fa/Place/2306-%D9%BE%D8%A7%D8%B1%DA%A9-%DA%A9%D9%88%D9%87%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%B5%D9%81%D9%87>.
- <https://www.karnaval.ir/things-to-do/mount-soffeh-isfahan>.
- <https://www.imna.ir/tag/%DA%A9%D9%88%D9%87+%D8%B5%D9%81%D9%87+%D8%A7%D8%B5%D9%81%D9%87%D8%A7%D9%86>.

